



# نوسان نرخ ارز؛ آفت تولید، صنعت و تصمیم‌گیری مدیران واحدهای تولیدی

❖ قفل‌بودن سیستم‌های بانکی و تحریم‌های بین‌المللی موجب شده که واحدهای صنعتی امکان استفاده از خطوط بین‌المللی را از دست بدهند؛  
 ❖ سیستم بانکی کشور چنین توانی ندارد که بتواند ۳۰ برابر نقدینگی بیشتر به واحدهای تولیدی تزریق نماید  
 ❖ اگر صادرات ارباب ممنوع است پس دلیل ارائه مجوز راه‌اندازی کارخانه‌های تولید ارباب چیست؟! ❖

## اشاره:

مهندس حائری در گفت‌وگو پیرامون افزایش نرخ ارز بیان داشت: قفل‌بودن سیستم‌های بانکی و تحریم‌های بین‌المللی موجب شده که واحدهای صنعتی امکان استفاده از خطوط بین‌المللی را از دست بدهند؛ در گذشته خریده‌ها به صورت اعتباری انجام می‌شد و صنایع نساجی از خطوط اعتباری ریفاینانس، یوزانس و امکان نقل و انتقال پول بهره‌مند بودند و ارز حاصل از صادرات به آسانی منتقل می‌شد و به ویژه در خرید مواد اولیه از طریق گشایش اعتبار، کمک‌های بسیار موثری به صنایع نساجی در تأمین سرمایه در گردش واحدها صورت می‌گرفت.

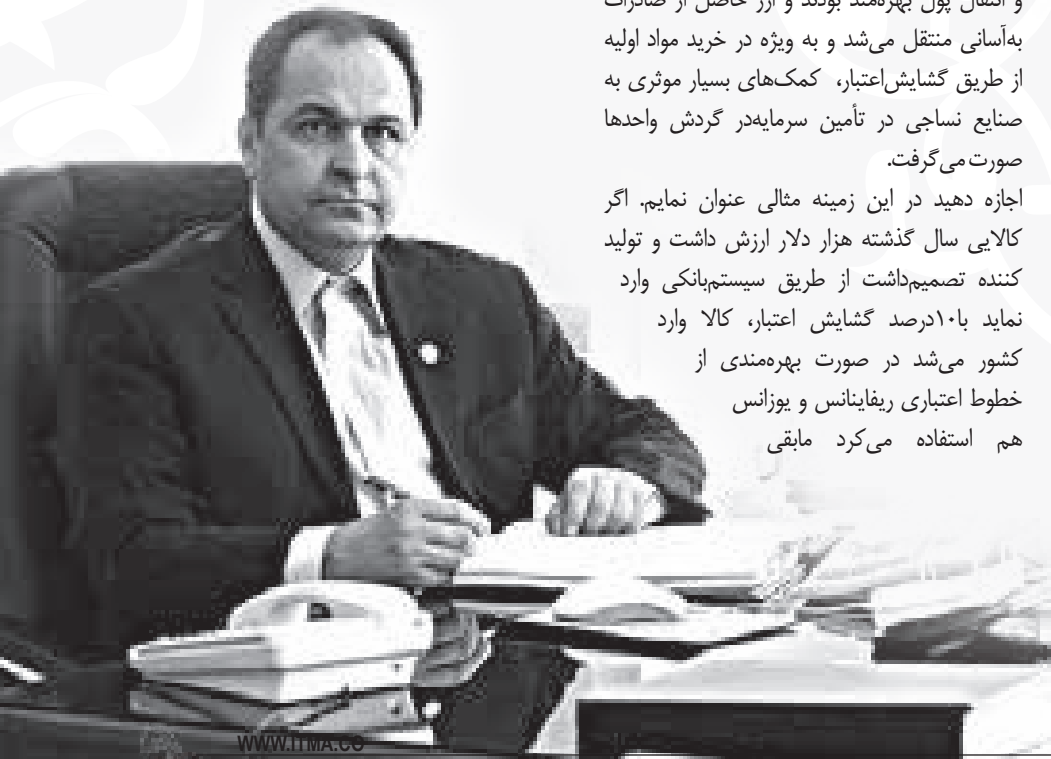
دیدگاه شما در مورد تأثیر افزایش نرخ ارز در تولید چیست؟ تولیدات صنایع نساجی در این شرایط با افزایش روبرو بوده‌است یا کاهش؟

در صورتی که فقط افزایش نرخ ارز مطرح بود و سایر عوامل ثابت باقی می‌ماند برای مثال ارتباطات بین‌المللی و بانکی کشور برقرار بود و صرفاً با یک مولفه تحت عنوان افزایش نرخ ارز مواجه بودیم، افزایش نرخ ارز برای صنعت و اقتصاد کشور بسیار مثبت به نظر می‌رسید در واقع صنایع نساجی و تولیدکنندگان آن با افزایش نرخ ارز مشکل خاصی ندارند بلکه در بسیاری از موارد موجب بهبود تولید و افزایش تولید و صادرات نیز می‌شود مشکل فعلی ما قفل‌بودن سیستم بانکی کشور است که با افزایش نرخ ارز هم‌زمان شده‌است و در واقع تلفیق این دو موجب آزار صنعتگران نساجی می‌شود.

در واقع قفل‌بودن سیستم‌های بانکی و تحریم‌های بین‌المللی موجب شده که واحدهای صنعتی امکان استفاده از خطوط بین‌المللی را از دست بدهند؛ در گذشته خریده‌ها به صورت اعتباری انجام می‌شد و صنایع نساجی از خطوط اعتباری ریفاینانس، یوزانس و امکان نقل و انتقال پول بهره‌مند بودند و ارز حاصل از صادرات به آسانی منتقل می‌شد و به ویژه در خرید مواد اولیه از طریق گشایش اعتبار، کمک‌های بسیار موثری به صنایع نساجی در تأمین سرمایه در گردش واحدها صورت می‌گرفت.

اجازه دهید در این زمینه مثالی عنوان نمایم. اگر کالایی سال گذشته هزار دلار ارزش داشت و تولید کننده تصمیم داشت از طریق سیستم بانکی وارد نماید با ۱۰ درصد گشایش اعتبار، کالا وارد کشور می‌شد در صورت بهره‌مندی از خطوط اعتباری ریفاینانس و یوزانس هم استفاده می‌کرد مابقی

مبلغ را در یک پروسه ۶ ماهه تا یک سال با پرداخت بهره بین‌المللی (لایبور) می‌پرداخت. اما در حال حاضر اولاً آن هزار دلار سرچای خود قرار دارد با توجه به افزایش سه‌برابری نرخ دلار، ارزش معادل آن هزار دلار (که مثلاً سال گذشته یک میلیون تومان می‌شد) به ۳ میلیون تومان افزایش پیدا کرده‌است. از سوی دیگر امکان حواله بانکی و گشایش اعتبار بانکی وجود ندارد و تمام مراحل خرید و واردات باید به صورت نقدی انجام شود. مشاهده می‌کنید که به حدود ۳۰ برابر نقدینگی بیشتر نیاز دارد تا بتواند همان مواد اولیه‌ای که سال گذشته تأمین می‌کرد، امسال نیز تهیه نماید! اما هیچ واحد و بنگاهی از سال گذشته تاکنون قادر نیست نقدینگی خود را تا ۳۰ برابر افزایش دهد و طبیعتاً باید سیستم بانکی کمک کند اما متأسفانه سیستم بانکی کشور چنین توانی ندارد که بتواند ۳۰ برابر نقدینگی بیشتر به واحدهای تولیدی تزریق نماید و در این میان سایر بازارهای رسمی و غیر رسمی هم قادر به انجام چنین حمایتی نیستند در نتیجه واحدها با کاهش چشمگیر نقدینگی مواجه می‌شوند و محتمل‌ترین اتفاق این است که مواد اولیه کمتری





**در شوک اولیه بازار که نرخ ارز به صورت تصاعدی افزایش پیدا کرد؛ با کاهش میزان واردات رسمی و غیر رسمی روبرو شدیم اما اگر کارخانه‌های داخلی نتوانند نیاز بازار داخل را برآورده نمایند، بار دیگر با افزایش حجم قاچاق مواجه خواهیم بود.**

است، می‌تواند کمک موثری در اتخاذ تصمیمات موثر باشد. یعنی بارها تصمیم غیر کارشناسی اتخاذ شده و بلافاصله همه اعلام کرده‌اند این تصمیم نیاز به انجام مطالعات بیشتری دارد حالا یک کار گروه تشکیل شود این کار گروه، بخشنامه و تصمیم مذکور را مورد بحث و بررسی قرار دهند تا اصلاحات آن انجام شود و ظرف مدت کوتاهی متمم آن صادر شود!!! چرا این کار از همان بدو تصمیم‌گیری انجام نمی‌گردد؟! متأسفانه اغلب تصمیم‌گیری‌ها بر پایه سعی و خطا انجام می‌شود نه مطالعات کارشناسی. برای مثال بخشنامه ممنوعیت ۵۲ قلم کالا اعلام شده که در واقع فراتر از ۵۲ قلم است! یعنی از مصنوعات فلزی یا محصولات پلیمری نام برده شده که در بطن خود صدها مورد را تحت پوشش قرار می‌دهد. ظرف هفته‌های گذشته تا امروز تماس‌های زیادی داشتیم مبنی بر این که واردات فرش ماشینی، پتو و موکت ممنوع اعلام شده است! یعنی کانتینری که تمام تشریفات صادراتی را انجام داده در گمرک اجازه صادرات ندارد! وزیر صنعت عنوان داشته‌اند که با صادرات مواد خام مخالف هستیم باید ارزش افزوده ایجاد کرد اما فرش ماشینی، موکت و پتو که ارزش افزوده بسیاری ایجاد می‌کند، مواد خام محسوب نمی‌شوند و انتهای زنجیره تولید قرار دارند! مشکل عدم صادرات این محصولات چیست؟ اگر قرار است جلوی صادرات مواد اولیه گرفته شود دولت در ابتدا صادرات نفت و گاز را ممنوع کند. چه ماده‌ای خام‌تر از نفت و گاز وجود دارد؟؟!!! هر مواد اولیه‌ای را که نمی‌توان تحت عنوان ماده خام، ممنوع اعلام کرد. اگر صادرات الیاف ممنوع است پس دلیل ارائه مجوز راهاندازی کارخانه‌های تولید الیاف چیست؟! چرا اجازه سرمایه‌گذاری ارزی و ریالی به این واحدها داده شده است؟ دیدگاه انجمن صنایع نساجی این است که مواد اولیه صنایع نساجی (به ویژه محصولات پتروشیمی که در بورس عرضه می‌شوند) ابتدا نیاز بازار داخل را تأمین نمایند و هیچ اشکالی برای صادرات آن وجود نداشته‌باشد

حجم قاچاق مواجه خواهیم بود.

برخی بر این باورند که تداوم شرایط فعلی موجب کاهش و در ادامه تعطیلی واحدهای صنعتی خواهد شد دیدگاه شما در این زمینه چیست؟ اولین و مهم‌ترین اتفاقی که در صورت نوسان نرخ ارز برای واحدهای صنعتی رخ می‌دهد این است که قدرت تصمیم‌گیری از مدیر سلب می‌شود. اگر مدیر واحد تولیدی نتواند پیش‌بینی روشن و درستی از آینده کسب‌وکار خود داشته‌باشد و نتواند بر مبنای نرخ ارز که هر روز با تغییر و تحول روبروست، قراردادهای فروش منعقد کند یا نتواند مواد اولیه مورد نیاز را تأمین نماید این ارز وضعیت ثابتی نداشته باشد؛ امکان برنامه‌ریزی وجود ندارد و پیش‌بینی برای تولید و تهیه مواد اولیه نمی‌توان انجام داد. پس نوسان نرخ ارز، آفت تولید، صنعت و تصمیم‌گیری مدیران واحدهای تولیدی است.

**نقش و وظیفه وزارت صنعت و تجارت و هم‌چنین تشکلهای صنعتی را در این دوره زمانی چه می‌دانید؟**

همیشه نقش تشکل‌ها در گردآوری اعضا و جمع‌بندی نقطه‌نظرات آنها و انعکاس به دولتمردان موثر و ضروری است، قطعاً در بحران امروز که با التهاب بازار مواجهیم، این نقش پر رنگ‌تر و مهم‌تر می‌شود و به اعتقاد من در این شرایط است که اعضا باید بیشتر از گذشته حول محور تشکل‌ها جمع شوند، آن را تقویت نمایند و دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود را به تشکل‌ها منتقل کنند تا تشکل‌ها بتوانند به پشتیبانی اعضای خود، قدرت چانه‌زنی بیشتری با دولت داشته باشند و تصمیمات موثر و کاربردی‌تر را مقامات تصمیم‌گیر انتقال دهند.

این نقش همواره پر رنگ بوده و در مواقع بحرانی پر رنگ‌تر هم می‌شود اما متأسفانه در اغلب موارد نقش تشکل‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، یک نقش حاشیه‌ای بوده و هست؛ همیشه در حد این که مشورت و نظرخواهی با آنان انجام شود و در تصمیم‌گیری دولتمردان چندان موثر نبوده‌است که اگر موثر بود وضعیت امروز ما به مراتب بهتر از شرایط دشوار فعلی بود! دفتر نساجی وزارت صنعت به دلیل این که یک نهاد دولتی است اختیارات، وظایف و قدرت به مراتب بیشتری نسبت به تشکل‌ها دارد و می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در جهت حمایت از صنعت نساجی ایفا کند اگر دفتر تخصصی با توجه به وظایف و اختیاراتی که دارند بتوانند از تجارب و دانش تشکل‌ها استفاده نمایند تلفیق این دو که ترکیب مناسبی از قدرت و تجربه

می‌توانند تهیه کنند و کاهش تولید رخ می‌دهد که این امر مساوی است با افزایش قیمت تمام‌شده، عدم توان رقابت در بازارهای داخلی و خارجی ... در مجموع افزایش نرخ ارز در کنار قفل بودن سیستم بانکی برای صنایع نساجی مشکلات متعددی ایجاد کرده‌است و گرنه در زمان دفاع مقدس هم وضعیت مشابه امروز وجود داشت آن زمان هم با کمبود منابع ارزی و افزایش نرخ ارز در بازار آزاد مواجه بودیم اما سیستم بانکی به فعالیت خود ادامه می‌داد و مرادوات تجاری بین‌المللی تحت الشعاع تحریم قرار نداشت اما امروزه در کنار افزایش نرخ ارز با تبعات تحریم نیز مواجهیم و دیگر امکان استفاده از امکانات بین‌المللی برای کشور وجود ندارد شاید در صورت تداوم ارتباطات بین‌المللی موجب می‌شد کالای کمتری از مبادی رسمی کشور وارد شود، حجم قاچاق به شدت کاهش می‌یافت و فرصت بسیار ارزشمندی برای صنایع داخلی شکل می‌گرفت تا بتوانند تولیدات خود را افزایش دهند، بازارهای داخلی را در دست بگیرند و به دلیل افزایش نرخ ارز برایشان بسیار مقرون به صرفه بود که صادرات موفق هم داشته باشند در آن شرایط نه تولیدکننده‌ای به جایزه صادراتی نیاز داشت و نه نیازمند حمایت ویژه دولت بود!

**مشکلات مربوط به تهیه مواد اولیه، در کیفیت محصولات نساجی اثرگذار بوده‌است؟**

طبعاً زمانی که تولیدکننده نتواند مواد اولیه با کیفیت و به مقدار کافی تأمین نماید مجبور است با سرمایه ثابت (حجم نقدینگی ثابت) برای این که بتواند مدت زمان بیشتری به تولید ادامه دهد، ممکن است به این سمت حرکت کند که تا حدودی از کیفیت مواد اولیه بکاهد تا حجم آن را افزایش دهند به این ترتیب هم از بیکاری کارگران جلوگیری می‌شود و هم سهم خود را در بازار از دست نخواهد داد. این اتفاق ممکن است رخ دهد یعنی برای مثال در صورتی که یک تولیدکننده نتواند الیاف اکریلیک مورد نیاز را از آلمان تهیه نماید مجبور است نیاز خود را از کشورهایمانند هند، چین یا از پاکستان تأمین نماید که قاعدتاً کیفیت مواد اولیه این کشورها با مشابه اروپایی یکسان نیست.

**بسیاری معتقدند با افزایش نرخ ارز، حجم قاچاق بسیار کاهش یافته‌است...**

در شوک اولیه بازار که نرخ ارز به صورت تصاعدی افزایش پیدا کرد؛ با کاهش میزان واردات رسمی و غیر رسمی روبرو شدیم اما اگر کارخانه‌های داخلی نتوانند نیاز بازار داخل را برآورده نمایند، بار دیگر با افزایش

